



۲۰۱۶/۰۶/۱۹



انجنیر عبدالصبور صافی

جنگ تورخم، اهداف، توطئه ها و نگاهی به روابط امریکا و پاکستان

بعد از لشکرکشی شوروی ها به افغانستان روابط پاکستان و امریکا که از بدو پیدایش همراه با فراز و نشیب های بوده دو باره رونق گرفت، امریکا کمکهای بسیار سخاوتمندانه به دامن پاکستان ریخت تا انتقام و پیتام را از شوروی ها در افغانستان بگیرد، کمک ۳،۲ میلیارد دالر امریکا به پاکستان جهت رونق اقتصادی این کشور بدین معنی بود تا با امریکا در این مبارزه همکار خوب باشد، در این ایام پاکستان خواست تا قدرت نظامی خود را بالا ببرد، رقابت پاکستان با هند یکی از دلایل برای بلند بردن توان نظامی بود که این کشور را وا داشت تا دست به تولید سلاح اتمی بزند که به این خواست خود هم رسید، اتمی شدن پاکستان حس قدرت طلبی پاکستان را بالا برد و خواست هژمونی خود را در منطقه بالا ببرد، افغانستان خوب ترین و اولین انتخاب بود برای تحقق این بلند پروازهای پاکستان، و به این ترتیب میتوانست با رقیب دیرینه خود (هندوستان) رقابت تنگاتنگ از موضع قدرت و توانمندی بیشتر داشته باشد.

پاکستان برای رسیدن به این هدف تلاش کرد که بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله یک دولت دست نشانده خود را در این کشور ایجاد نماید که به صورت کل موفق نگردید، بعداً گروه طالبان را به وجود آورد تا توسط آنها به آرزوهای خود برسد ولی به هر شکل که بود این کار هم نتیجه بار نبود، سیاست های غلط و قرون اسطایی طالبان پای امریکا و کشورهای بلوک غرب را به افغانستان کشانید، تسلط بلوک غرب در این منطقه باعث تضعیف آرزوهای پاکستان گردید، اکنون پاکستان احساس میکند که جایگاه خود را در بدست آوردن آن عمق استراتژیک که در افغانستان تصور میکرد که متضمن منافع آن کشور و رقابت منطقوی در برابر رقیب دیرینه آن هندوستان باشد را از دست داده است، از این رو تلاش ها جدیدی را به راه انداخته است تا مگر بتواند به یک شکلی به اهداف خود نایل آید، وهم امریکا را تحت فشار قرار دهد که به آن موافقه های پت و پنهان اش با پاکستان عمل کند، شرایط داخلی پاکستان اعم از سیاسی، اجتماعی و اقتصادی روزتا روز سیر نزولی به خود گرفته، موضوع داشتن اقتصاد باثبات با توجه به فقر بالا در این کشور از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. این کشور بیش از ۵۰ پنجاه میلیارد دلار قرضدار است و تاکنون با حمایت های مالی امریکا و انگلستان حامی اصلی اش بر بخشی از مشکلات مالی خود فائق آمده بود و دیگر امریکا از عقب پاکستان به هر دلیل که است کنار رفته است. بحران داخلی انرژی در این کشور نیز در وضعیت نامساعد و خطرناک میباشد، پاکستان تلاش کرد با موضوع افغانستان برای خود جایگاهی تعریف کند و با توجه به امتیازات و موقعیت استراتژیکی و هم دسترسی به آب و برق، معافیت از پرداخت هر نوع مالیات برای صدور کالاهای خود به آسیای میانه جایگاه خود را در برابر همسایه شمالی اش ارتقاء دهد. اما با ایجاد شدن بندر چابهار و باز شدن راه های تدارکاتی و امکالاتی جدید برای جانب افغانی و هندی، امید ها پاکستان به یأس و نا امیدی میدل گردیده و این نا امیدی ها باعث میشود تا پاکستان دست به هر عمل غیر منطقی و شرارت آمیز بزند و خود را مدافع سرسخت در مبارزه با تروریسم نشان دهد تا جهانیان فکر کنند که پاکستان قربانی تروریسم است در حالیکه برعکس پاکستان مادر تروریسم است، بعضی ها به این فکر اند که امریکا در این بازی دست دارد در این شک نیست که امریکا با پاکستان در مورد شناختن خط دیورند موافقه پنهانی به امضار رسانیده است و پاکستان این شرارت را برای فشار بالای امریکا و نشان دادن صداقت خود به جهان و مردم خود که گویا میخواهد راه را بروی تروریستان مسدود سازد تلاش میکند در حالیکه تروریستان به ویژه و راه تورخم نیاز و ضرورت ندارند بلکه تروریستان در داخل خاک پاکستان زندگی میکنند تربیه و تجهیز میشوند و به افغانستان صادر میگرددند و از ده ها راه دیگر که در این سرحد ۲۴۳۰ کیلومتری موجود است استفاده مینمایند، جهان باید این را بداند که اسامه در کجا بود! مولوی اختر منصور در کجا بود! سران طالبان با کدام پاسپورتها به خارج سفر میکنند و ده ها مورد دیگر، بد نخواهد بود تا کمی به پیشینه روابط امریکا و پاکستان نظر اندازیم:

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

روابط امریکا و پاکستان از بدو پیدایش تا امروز:

اگر بتاریخ روابط پاکستان با امریکا از بدو پیدایش پاکستان تا اکنون نگاه کنیم درمی یابیم که این روابط همیشه پرفراز و نشیب بوده است هرزمانیکه امریکا ضرورت داشته از پاکستان به خاطر تحقق منافع خود استفاده کرده و زمانیکه منافع امریکا تأمین گردیده پاکستان را به حال خودش رها کرده است، طور مثال:

پاکستان نوپا برای برآورده شدن نیازهای اقتصادی و نظامی خود تلاش کرد تا خود را به امریکا نزدیک سازد، با پیوستن به سازمان پیمان آسیای جنوب شرقی یا (سیتو) در سال ۱۹۵۴ عملاً خود را جمع کشورهای هم پیمان امریکا جهت مبارزه با گسترش کمونیزم نمود و پس از پیوستن به این پیمان کمک های امریکا به پاکستان افزایش قابل توجه یافت، با وجود این کمک های سخاوتمندانه زمانیکه جنگ پاکستان باندوستان در سال های ۱۹۶۵ و ۱۹۷۱ به وقوع پیوست برای پاکستان ثابت شد که امریکا متحد قابل اطمینان و قابل اتکا برای پاکستان نیست.

به همین ترتیب پس از اشغال افغانستان توسط شوروی در سال ۱۹۷۹ امریکا جهت بیرون کردن قوای شوروی از افغانستان و گرفتن انتقام ویتنام بار دیگر پاکستان را مورد توجه قرار داده و کمکهای میلیارد دلاری جهت بازسازی اقتصادی و نظامی این کشور پرداخت کرد، ولی با تمام شدن جنگ، خروج شوروی از افغانستان و فرپاشی شوروی سابق پس از سال ۱۹۸۹ این روابط دوباره به سردی گراید، بعد از حملات ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ و اشغال افغانستان توسط امریکا از طریق خاک پاکستان بار دیگر این روابط باهم نزدیک شد و امریکا این امکان را یافت تا اکمالات لشکری خویش را از طریق پاکستان انجام دهد، کشته شدن اسامه بن لادن در خاک پاکستان، بمبارد مان های طیارات بی پیلوت امریکا در خاک پاکستان، کشته شدن دو تبعه پاکستان با ضرب گلوله در شهر کراچی پاکستان از طرف یک امریکایی، بمبارد یک پوسته ای سرحدی پاکستان که در آن ۲۴ سرباز این کشور کشته شدند؛ موارد دیگر است که روابط امریکا و پاکستان را در طول مدت این همکاری ها دچار مشکل و متشنج ساخته، بخصوص حمایت امریکا از هندوستان در برنامه های هستوی آن کشور اعتماد پاکستان را بالای امریکا بسیار کم رنگ کرد، گرچه زمانیکه امریکا به تقابل قوای خود در افغانستان پرداخت بسیاری از تسلیحات سنگین اش را به پاکستان طور تحفه و اگذار کرد که به انتقادات بعضی مقامات افغانی نیز مواجه گردید باوجود آن هم تیرگی روابط این دو کشور به شکل از اشکال همچنان مکرر باقی ماند.

تشویش پاکستان از موجودیت امریکا در منطقه هم برای پاکستان نگران کننده است، این را به خوبی درک میکند که امریکا و انگلیستان در منطقه بلوچستان از قشون یا ارتش آزادی بخش بلوچستان (بی ال ای) حمایت میکنند، و توان اتومی پاکستان را زیر نظر دارند، به قول روزنامه "پولیتیک" چاپ ترکیه، «گرچه پیشینه ای سازمان های استقلال طلبانه ای بلوچستان به سالهای ۱۹۶۰ میرسد که مرکز آن در کابل بود، ولی در اوضاع و احوال ژئوپولیتیکی و سیاسی کنونی جنبش های آزادی خواه بخصوص ارتش آزادی بخش بلوچستان با حس جدایی طلبانه و الحاق گرانه به افغانستان تبدیل گردیده و تحت حمایت مخفی امریکا و انگلیستان قرار دارند،» بلوچستان سرزمین با گنجینه ذخایر نفتی و گازی با ارزش فوق العاده هم برای پاکستان و هم برای شرکت های نفتی غربی است از طرف هم امریکا و انگلیس خواهان تسلط بیشتر با دست باز در همه عرصه ها در این کشور اند که پاکستان این وضع را نمی تواند تحمل نماید، از این رو همیشه با امریکا در یک بازی دوگانه قرار میگیرد.

آیا وقایع اخیر تورخم توطئه مشترک امریکا و پاکستان است؟

بعضی ها به این باورند که چرا پاکستان زمان که حکومت داکتر نجیب الله سقوط کرد همه اردو و سلاح های سبک و سنگین افغانستان به اساس تحریکات پاکستان توسط گروه های مجاهدین تباہ و نابود گردید و در بازارهای پاکستان به فروش رسید؛ در صدد اشغال افغانستان نشد، و این پلان عمق استراتژیک خود را محقق نساخت، که اکنون میخواهد با راه اندازی جنگ در تورخم به هدف خود نایل آید، پس این تحریکات در تورخم و «انگور اده» یک توطئه است که از طرف امریکا و پاکستان مشترکاً طرح ریزی شده است تا اقوام دوطرف را باهم در جنگ اندازند یا قوا را در این جا متمرکز ساخته و شمال را تسخیر کنند و یا دشمنی را در بین پشتون های دو طرف خط دیورند به اوج خود برسانند البته این ادعا است از طرف بعضی ها.

در اوایل سال ۲۰۰۵ گزارشی از شورای اطلاعات ملی امریکا به قول روزنامه ترکی زبان پیش بینی کرده بود که پاکستان به اساس جنگهای داخلی و رقابت ها ایالتی متشنج و به سرنوشتی مشابه یوگوسلاویا طی ده سال آینده دچار خواهد شد، دولتمردان امریکایی بخصوص کارمندان عالی رتبه شورای اطلاعات ملی (که نهادی مرکب از ۱۶ اداره امنیتی منجمله "سیا" است) بر این عقیده بودند که تا سال ۲۰۱۵ پاکستان به کشور در مانده تبدیل خواهد گشت،

د پانوی شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنيزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

بعضی مامورین عالی رتبه سابق پاکستان ساکن انگلستان نیز به این عقیده بودند که پاکستان بخاطر جنگ های داخلی، طالبگرایی و کشمکش برسرکنترول سلاح های اتمی اش رو به زوال خواهد رفت، تقریباً گفته میتوانیم که این پیشبینی تا اندازه محقق شده و پاکستان در یک بحران اقتصادی سیاسی و نظامی و قومی گیرکرده است، داکتر زلمی خلیل زاد سفیر پیشین امریکا در عراق و افغانستان نیز در مصاحبه اخیر خود با تلویزیون آریانا نیز به انزوای بیشتر پاکستان و قطع کمک های امریکا و دولتمردان آن کشور که از برخورد دوگانه و عاری از صداقت پاکستان خسته شده اند سخن گفت و افزود که امکان دارد در مورد پاکستان اقدامات جدیتری از طرف امریکا در آینده روی دست گرفته شود و هرامکان دوراز احتمال نیست وی می افزاید حتی متحد بسیار نزدیک پاکستان، چین هم به عدم صداقت این کشور پی برده و از پاکستان دوری اختیار کرده است.

با در نظر داشت کرو نولوژی همه ای این واقعات و رخدادها و برخوردها به این نتیجه میرسیم آنهاییکه برخورد پاکستان را در سرحدات افغانستان ناشی از توطئه مشترک امریکا و پاکستان علیه افغانستان میدانند فقد میخواهند به این نام به خاموشی خود در برابر اقدامات جنایتکارانه و تجاوز اشکار پاکستان برخاک افغانستان پرده اندازند تا از سرافگندگی که از زمان جهاد با ای اس ای و پاکستان دارند خوش خدمتی را برای بادران پاکستانی شان انجام داده باشند و زمینه را برای تحقق مرام های شوم خود فراخ تر سازند.

خاموشی یک عده معلوم الحال در خصوص تعرضات پاکستان:

با وجود که میدانیم و در فوق هم به آن اشاره نمودم که پاکستان طی یک موافقتنامه پنهان با امریکا از آنکشور خواسته است که در برسمیت شناختن خط دیورند به نفع پاکستان از نفوذ خویش کارگیرد، فرض میکنیم همین طور باشد و این برخورد نظامیان پاکستانی علیه افغانستان در تورخم یک توطئه مشترک امریکا و پاکستان باشد، در این صورت موقف آنعده که در برابر این تجاوز اشکار برخاک ما، تمامیت ارضی و استقلال ملی ما (که من از آنها نام نمیبرم همه ملت هرکدام آن را خوب میشناسد)، خاموش نشسته اند و هیچ عکس العمل نشان نداده نمی دهند، آیا این عمل شان درست و وطنپرستانه است!!!

یا یک عمل جبنانه خائینانه و وطنفروشانه، اینها به این ترتیب ثابت کردند که به تمامیت ارضی افغانستان و فادار نیستند و مردم افغانستان باید این چهره را خوب بشناسند و راه خویش را از آنها جدا کنند!!! و وطنپرستان هوشیار باشید قضاوت با شماست!!

من خواهان جنگ با هیچ کشوری نیستم و برای جنگ اندازی و تشویق به جنگ هم سخن نمی گویم میخواهم هر اختلاف از طریق دیپلماتیک حل و فصل گردد امروز در جهان مرزها برداشته میشود ملتها میخواهند در فضا امن و اعتماد زندگی کنند اما فرض میکنیم اگر جنگ بالای ما تحمیل میشود و چاره بیرون رفت از آن نداریم باز چه باید کرد!!! در چنین شرایطی که وطن اشکارا مورد تجاوز دشمن دون صفت قرار دارد هر روز در سرحدات کشور ما پیشروی میکند، پوسته ها و تاسیسات نظامی ایجاد میکنند خاموش نشستن گناه است، باید همه یکپارچه و یکصدا در دفاع از تمامیت ارضی کشور قرار گیرند، یکصدائی و یک پارچگی ما دشمن را به لرزه درمی آورد و جیون میسازد، امروز دشمنان فکر میکنند که در طول سه دهه آنقدر زهر در این کشور ما پاش داده اند که بی چون و چرا قادراند ملت را که در نفاق میسوزد به سادگی پارچه کنند و بشکنند، از این رو دست به چنین تحریکات میزند، ورنه اگر بدانند که این ملت یک دست و یک پارچه است هرگز جرأت ندارد که به طرف خاک این شیر مردان چپ نگاه کنند، زین رو وقت و زمان ایجاب میکند که همه در برابر این تجاوز با هم صدقانه یکپارچه متحد و در یک همبستگی ملی قرار گیرند تا دشمنان بدانند که این ملت هر قدر اگر بین هم اختلاف داشته باشند در برابر تجاوز و دسایس خارجیان یک دست ، متحد و یکپارچه است.

هدف پاکستان از چنین شراندازی چیست؟؟

پاکستان برای انحراف ذهنیت ناسیانیالیستی قبایل، روی مدارس مذهبی سرمایه گذاری کرد و برای مدرسین این مدرسه ها که وظیفه تبلیغ اسلام و جهاد را به پیش میبردند معاشات بلند منظور کردند. روحانیون و ملا امامان که دیدند متاع دینی و ملائی شان از طرف دولت خریداری و حمایت میشود در سرتاسر مناطق قبایلی و بلوچستان در مساجد و خطبه های دینی در پنج وقت نماز و خارج از اوقات نماز بجز از اسلام و جهاد با کفار، بحث و سخنی دیگری شنیده و گفته نمیشد.

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

پابندی مردم به اجرای مناسک دینی چنان زیر کنترل ملا امامان مساجد و مولوی های مدرسه های مذهبی قرار داده شد که هرگاه یکی از نمازگزاران اهل قریه یک وقت به نماز جماعت حاضر نمیشد مورد سؤال و بازخواست ملا امام قرار میگرفت و اگر عذرش نزد ملا امام موجه نمی بود، حتی به جزا های سختی نیز محکوم میگردد، بنا برین روحانیون برای اولین بار در میان قبایل سرحدی پاکستان از موقف ممتاز و خاص برخوردار شدند.

اهداف آی اس ای از ایجاد مدارس دینی در مناطق قبایلی و بلوچستان و تشویق به جهاد برای جنگ با هندوستان بر سر کشمیر و خنثی کردن احساسات ناسیونالیستی پشتونها با تزریق اندیشه های بنیاد گرایی تا از تعلیمات و آموزش های مدرن و عصری به دور نگهدارند که مبدا احساسات ملی گرایانه پیدا کنند و توجه خود را به احقاق حقوق ملت پشتون و بلوچ معطوف و خواستار حقوق حقه شان گردند. تمام احزاب مذهبی و بخصوص احزاب که به رهبری مولانا سیمع الحق، مولانا فضل الرحمن، قاضی حسین احمد و غیره در پاکستان شکل گرفته اند به کمک و حمایت آی اس ای بوده که به شکل از اشکال با این سازمان وابسته و تمام فعالیت های شان با آی اس ای کور دینه میشود، از این سبب حکومت پاکستان هیچگاه از این احزاب احساس خطر نمی کند، بلکه این احزاب را بخاطر منافع خود سخت میرقصانند، امروز با استفاده از همین گروه مذهبی، احزاب ناسیونالیستی اسفندیار ولی، محمود خان اچکزی و سایر احزاب ملیگرا در مناطق صوبه سرحد و بلوچستان تحت فشار جدی قرار دارند که فعالیت های شان را سخت زیر شعاع قرار داده و از نفوذ شان در مناطق قبایلی سخت کاسته است، رهبران مذهبی که در بین پشتونها نفوذ دارند و زیر تاثیر آی اس ای قرار ندارند بیت الله مسعود و مولوی فضل الله است که برای نافذ کردن شریعت اسلامی مبارزه میکنند بد بخانه که سازمان امنیت افغانستان نتوانسته است این دو رهبر را در حمایت خود قرار دهد و شکل مبارزه آنها را از به آزادی خواهی پشتونستان تعویض کند، از اینکه امنیت افغانستان تابع استخبارات غرب است موجودیت قوای خارجی بخصوص انگلیس در افغانستان مانع بزرگ در این امر میتواند باشد، زیرا انگلیس ها در زمان تسلط خود در شبه قاره هند همواره کوشش داشتند تا مسلمانان هندوستان را بصورت اعم و پشتون های مناطق قبایلی جدا شده از بیکر افغانستان را به صورت اخص از پیشرفت، و تعلیم و تربیت علوم مدرن و فرهنگ بدورنگه دارند، آنها با اعمار هیچ کارخانه تولیدی، خطوط آهن، سرک های اسفالت شده، پوهنتون ها، مکاتب و مراکز فرهنگی و کلتوری در زمان تسلط خود در این مناطق نپرداختند بلکه به ایجاد مدارس دینی اقدام کردند که هدف عمده شان بیسواد و عقب مانده نگاه داشتن پشتون های آنسوی خط بود. انگلیس ها با کشیدن خط نام نهاد دیورند، همین مناطق قبایلی را منحصراً یک منطقه حائل بین امپراطوری هند بریتانوی و روسیه تزاری قرار دادند تا سرحدات شمالی خود را محفوظ نمایند رفتار و روش که بعدها پاکستان هم در این مناطق تا امروز از آن پیروی کرده و میکنند.

اماتلاش های پاکستان صرف منوط به مناطق قبایلی نماند و به تجهیز و تمویل کردن گروه های طالبان این طرف مرز پرداختند، جنگهای سخت که در طول این چند سال در افغانستان به راه انداختند هیچ نتوانست افق روشن از این عملیات های خود در افغانستان را دریابد، ولی توانستند که بیسواد و جهالت را در مناطق پشتون نشین این طرف مرز گسترش دهند مکاتب را حریق کنند و پشتون ها را بخاک سپاه بنشانند، با وجود این بر عکس مناطق قبایلی روزتا روز در بین نسل جوان و آگاه افغان محبوبیت پاکستان کم رنگ شده رفت و نفوذ خود را آنطور که در زمان جهاد و حکومتداری کرزی در داخل دستگاه حکومت بود با آمدن داکتر غنی آهسته آهسته از دست داد، هر قدر که پلان های پاکستان روبه ناکامی رفت به همان اندازه عصبانیت شان بیشتر شده رفت، ناکامی پلان های نظامی در تصرف یک ولایت مهم و ستراتیژیک، باز شدن بندر چابهار و افتتاح بند برق دوستی افغان هند (سلما)، از طرف هندوستان ضربه محکم دیگر بود که خواب پاکستان را به یأس مبدل کرد مشکلات اقتصادی و توقف کمکهای نظامی امریکا بالای پاکستان در این اواخر باعث شد که پاکستان دست به اقدامات بچه ترسانک در مناطق سرحدی بخصوص در تورخم بزند که نباید آنرا بی ارزش تلقی کرد هر نوع بی تفاوتی افغانستان در این خصوص میتواند فاجعه بار ثابت شود.

جنگ مستقیم پاکستان با افغانستان اولاً غیر قابل باور است آن هم در موجودیت امریکا و ناتو با معاهده ستراتیژیک که با افغانستان دارند با وجود که در جنگ تورخم بی تفاوت ماندند، ثانیاً همان طور که راحیل شریف به آقای زاخیلوال سفیر کبیر جمهوری اسلامی افغانستان در اسلام آباد گفته اند که «در ظرف چند ثانیه جلال آباد را تصرف میکند»، احیاناً اگر چنین شود، میتوان این جنگ را با حمله برق آسای صدام حسین در سال ۱۹۹۰ بالای کویت مقایسه کرد که چند روز دوام نکرد و صدام تمام آنچه که در جنگ هشت ساله از ایران هم بدست آورده بود از دست داد و با دادن تلفات سنگین از کویت بیرون شد، ضمناً هر جنگ حمایت ملی و بین المللی میخواهد که پاکستان در شرایط کنونی در این موقف نیست، از طرف هم میدانند که ممکن است این جنگ بانایات که انگلیس و امریکا در منطقه دارد به تجزیه ای پاکستان منجر شد نه افغانستان، شکی نیست که طالبان هم لوله تفنگ شان را به طرف پاکستان نشانه گیرند و پشتون

د پانو شمیره: له 4 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

های آن طرف خط که حائل قرار میگیرند از پاکستان هم دل خوش ندارند بر علیه پاکستان بپا خیزند، خلاصه جنگ که ابعاد آنرا نمی توان سنجید به راه خواهد افتاد که منطقه را دربر خواهد گرفت، ولی این بدان معنی نیست که افغانستان دست زیر الاشته بنشیند چون ناکامی دپلوماسی باعث ایجاد جنگ میشود تا زمانیکه راه برای دپلوماسی باز است جنگ در کار نیست، بناً باید یک دپلوماسی فعال در این عرصه روی دست گرفته شود تا بتواند خطرات جنگ را بیشتر مهار کند. اگر دوستی افغانستان با امریکا صادقانه است و فشار امروزی امریکا و قطع کمک ها به پاکستان و نه سپردن طیارات اف 16 از سوی امریکا به پاکستان صادقانه باشد و همانطور که داکتر زلمی خلیل زاد میگویند که دولتمداران امریکا از سیاست های دوروی پاکستان خسته شده اند پس اقدامات بسیار ارزنده ای که داکتر اشرف غنی در عرصه اقتصادی روی دست گرفته اند با حمایت و پشتیبانی و یکپارچگی همه طرف های شامل در قدرت اعم از مردم و به حمایت امریکا موفقیت آمیز است و میتواند فشار بزرگ باشد بالای پاکستان، از وضعیت فعلی، حرکات و برخورد های پاکستان چنین معلوم میشود که این کشور دیگر آهسته آهسته آخرین نفس های خود را میکشد و دارد به سوی شکست قطعی خود راه را هموار میکند، در این برهه لازم است دستگاه دپلوماسی افغان آنقدر فعال شود تا به جهانیان حقانیت موجودیت تروریسم در خاک پاکستان را ثابت کند و پاکستان نتواند این بازی را به نفع خود تمام کند، تا جای که دیده میشود تبلیغات افغانستان در این خصوص هم کاملاً فلج است، در حالیکه تبلیغات پاکستان فوق العاده قوی میباشد، تا کنون مردم عوام حتی روشنفکران در پاکستان به این فکر اند که تروریسم از افغانستان به پاکستان صادر میشود و این حیف و جای بس افسوس است که دستگاه تبلیغاتی دولتی و وحدت ملی، امروز دپلوماسی پاکستان را سیاسیون نه بلکه نظامیان تعیین میکنند و نظامیان با برنامه های غیر موثر که هر چیز را از زاویه تقویه تروریسم میدیدند و اکنون خود هم مستقیماً دست به شرارت میزنند، ملک را بطرف آشوب بی ثباتی و انزوا سوق دادند، این نقطه اساسی و شکست آنها را برملا می سازد، اکنون برای افغان ها لازم است که از این خلا استفاده موثر نمایند و پاکستان را از نظر اقتصادی به خود وابسته سازند، لغو قرارداد بند برق بخش آباد با شرکت پاکستانی یک اقدام ارزنده بود قابل تقدیر است، همچنان لازم است اقدامات جدی در خصوص تحریم کالاهای پاکستانی و جلوگیری از دوران کلدان پاکستانی بجای پول افغانی بخصوص در ولایات سرحدی روی دست گرفته شود، اعمار بند های برق آبی بالای دریا کنر جهت مهار کردن آبها بالای پاکستان هر چه زودتر روی دست گرفته شود، ذهنیت مردم آماده شود و هم شرایط مساعد گردد تا مردم آگاهانه کالاهای پاکستانی را تحریم کنند، جلوگیری از عبور کاروان های صادراتی پاکستان به طرف آسیای میانه، اكمال پروژه های توتاپ، کاسا یک هزار و پایپ لین گاز ترکمنستان و توقف کار آن در نزدیک سرحد پاکستان موثر خواهد بود. این کار میتواند مردم و سرمایه دار پاکستان را وادارد تا فشار بالای حکام پاکستان را بیشتر سازند تا تن به صلح و زندگی مسالمت آمیز دهند، توأم همه این اقدامات به تدوین یک استراتژی مدون و کارا و دپلوماسی فعال همراه گردد، وضعیت پاکستان عمیقاً وخیم است نباید گذاشت که از این حالت بیرون آید، این به دپلوماسی و اقدامات امنیتی افغان تعلق دارد که این وضعیت پاکستان را به حالت نزع برسانند.

یادداشت ها:

- نگاه به کتاب پشتونستان مقاله کاندید اکادمیسین جناب سیستانی.
- روزنا پولتیک چاپ ترکیه ترجمه و تحلیل جناب داکتر جلال بایانی.
- مرور کوتاه بر تاریخ افغانستان و قضیه پشتونستان مولف جناب عتیق الله پاخون.
- فراز و نشیب روابط ما با پاکستان روزنامه افغانستان.
- مروری کوتاه بر روابط پاکستان و ایالات متحده امریکا در چند دهه اخیر ترجمه شفقنا.
- مصاحبه داکتر زلمی خلیل زاد.
- وسله وال پر دیورند کربنه نه بلکی پاکستان بنارونو کی تنظیمی 'د بناغلی زاخیلوال مرکه مشال رادیو.

پایان

د پانو شمیره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ